

تنبلیور عزتِ خواجهی در شعارهای عاشورا



خدا مراد سلیمیان

حسین بن علی علیه السلام از جمله عزتمندی و عزت خواهی آن سرور شهیدان بوده است.

شعارهای عاشورا آینه‌ای صاف و تمام‌نماست که بانگاه در آن اعصار و قرون در نور دیده شده، حقایق تابناک بزرگترین قیام تاریخ در چشم ما می‌نشیند.

قبل از بررسی کوتاه و اجمالی برخی از شعارهای عاشورا مناسب است به توضیح مختصری درباره واژه‌های عنوان نوشتار پردازیم که به عنوان مقدمه نیز لازم و مفید است.

الف) عزت:

در زبان عرب به زمین غیر قابل

خواهی اگر به کوی حقیقت سفر کنی
باید ز شاهراه طریقت گذر کنی
هرگز به طوف کعبه جانان نمی‌رسی
تا آنکه در منای وفا ترک سر کنی
روی امید نیست به آن آستان تورا
تا آستین زدامسته اشک تر کنی
گر بگذری ز ظلمت حس و خیال و وهم
چون آفتاب از افق عقل سر کنی
در بررسی تاریخ خونبار عاشورا
یکی از موضوعات بسیار مهم و
اساسی که همواره مورد توجه و امعان
نظر اندیشمندان شیعی قرار داشته
«شعارهای عاشورا» بوده است؛ بویژه
اینکه این شعارها مشتمل بر ارکان قیام

فشارهای درونی همچون هوی و هوس نیز او را از ادامه راه در مسیر حق باز نخواهد داشت و در برابر هر دو عامل درونی و بیرونی سرفراز و پیروز خواهد گشت و به سوی منزلگه مقصود که همانا کمال مطلوب است رهنمون خواهد شد.

ب) عاشورا:

عاشورا عبارت است از روز دهم ماه محرم الحرام که اگرچه از دیرباز مورد توجه و احترام بوده ولی در فرهنگ شیعه به خاطر شهادت سومین پیشوای شیعیان و فرزندان و اصحاب او در سرزمین کربلا از جایگاه بسیار رفیع و ارزشمندی برخوردار است.^۱ این روز در تاریخ جاهلیت عرب، از روزهای عید رسمی و ملی بوده و در آن روزگار در چنین روزی، روزه می گرفتند و جشن و شادمانی برپا می کردند، اما با رخداد قیام سید الشهداء علیه السلام در بین دوستان اهل بیت علیهم السلام به عظیم ترین روز سوگواری

نفوذ و سخت «ارض عزاز» گویند که هیچگونه ابزاری در آن اثر نکند و «عزت» نیز از همین ریشه گرفته شده است؛ از این رو به حالتی که انسان را از شکست خوردن و مغلوب شدن حفظ می کند، «عزت» می گویند.^۱

بدون تردید یکی از امیدهای بشر - که به نوعی برخاسته از فطرت پاک اوست - دستیابی به قله شکست ناپذیری و صلابت و پایداری در برابر نیروهای شکننده بیرونی است و این امید همواره با واکنشهایی که انسان در برابر حوادث از خود نشان می دهد تحقق می یابد.

حقیقت عزت تجلی همین فطرت متعالی انسانی است که به وسیله هدایت‌های بیرونی متکامل و جهت دار می شود، انسان را از مقهور شدن و مغلوب گشتن باز می دارد و او را در پناه می گیرد و محافظت می نماید و از تن دادن به ذلت و خواری و شکستن و تسلیم شدن ایمن می سازد. اگر چنین شد، انسان نه تنها در

برابر نیروهای بیرونی راه رسیدن به حقیقت را از دست نخواهد داد، بلکه

۱- ر.ک: راغب اصفهانی، المفردات، ص ۳۳۲.
 ۲- ر.ک: نقة الاسلام کلینی، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵، ج ۸، ص ۴۶۳.

و ماتم تبدیل شد.

امام صادق علیه السلام در توصیف آن روز و شدت مصیبت‌هایی که بر خاندان رسالت رسید، این گونه فرمود: «وَأَمَّا يَوْمَ عَاشُورَاءِ، فَيَوْمٌ أُصِيبَ فِيهِ الْحُسَيْنُ علیه السلام صَرِيحاً بَيْنَ أَصْحَابِهِ وَأَصْحَابُهُ حَوْلَهُ صَرَخِي عُرَاةً!»^۱

و اماروز عاشورا، پس آن روزی است که در آن حسین علیه السلام میان یارانش کشته بر زمین افتاد و یاران او نیز اطراف او بر خاک افتاده و عریان بودند.»

همواره امامان شیعه جهت زنده نگه داشتن یاد و خاطره آن روز بزرگ، شیعیان را به سوگواری و عزاداری توصیه فرموده‌اند.

امام رضا علیه السلام در این باره می‌فرماید: «مَنْ تَرَكَ السَّغْيَ فِي حَوَائِجِهِ يَوْمَ عَاشُورَاءِ قَضَى اللَّهُ لَهُ حَوَائِجَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَنْ كَانَ عَاشُورَاءَ يَوْمَ مَصِيبَتِهِ وَيُكَاثِبُهُ جَعَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَوْمَ فَرَجِهِ وَسُرُورِهِ»^۲

هر کس تلاش در رفع حوایجش را در عاشورا [به خاطر عظمت و به پا داشتن عزاء] ترک کند، خداوند حوایج دنیا و آخرتش را برآورده سازد. و هر

کس کسه عاشورا روز مصیبت و گریه‌اش باشد، خداوند تبارک و تعالی روز قیامت را روز شادی و خوشحالی او قرار دهد.»

دشمنان و مخالفان اهل بیت علیهم السلام این روز را به جشن و سرور سپری می‌کردند، که در این باره می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمٌ تَبَرَّكْتَ بِهِ بَنُو أُمَّيَّةٍ وَابْنُ آكَلَتِهِ الْأَكْبَادِ»^۳

خدایا! این روزی است که بنی امیه و فرزند خورنده جگرها (هند که جگر حمزه سید الشهداء را به دندان گرفت) به آن تبرک جستند.

از این رو امامان شیعه علاوه بر توصیه شیعیان به زنده نگهداشتن این روز، خود نیز در حد امکان با برپایی مجالس و محافل سوگواری یاد و خاطره مظلومیت جد بزرگوار خود را زنده نگه می‌داشتند.

ج) شعار:

شعار را در کتابهای لغت به آنچه

۱- همان، ج ۴، ص ۱۴۷.

۲- شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، انتشارات جهان، ۱۳۷۸ ه.ق، ۲ جلد، ج ۱، ص ۲۹۸.

۳- شیخ طوسی، مصباح المتعجد، مؤسسة فقه الشیعه، ۱۴۱۱ ه.ق، ص ۷۷۴.

شخص در میدان کارزار جهت معرفی خود به کار می‌گیرد^۱ معنا کرده‌اند که عمدتاً این معرفی به صورت کلامی انجام می‌شود. این کلام ممکن است به صورت کلام منظوم و یا به صورت نثر باشد.

این معرفی از آن جهت صورت می‌گرفت که شخص علاوه بر تقویت روحی و روانی خود، با ذکر ویژگیها و برجستگیهای خود در روح و روان دشمن خویش نیز تأثیر می‌گذاشت و از آن به رجز نیز تعبیر می‌شود.

البته این واژه در محاورات امروزی وقتی اضافه به عاشورا می‌شود، مقصود از آن مجموعه سخنانی است که در طول قیام عاشورا از طرف حسین بن علی علیه السلام و یاران آن حضرت ایراد شده و دارای ویژگیها و پیامهای ماندگار است، به گونه‌ای که در هر عصر و زمان قابل استفاده و متابعت می‌باشد.

بنابراین لزوماً معنای لغوی شعار مقصود نیست، اگر چه آنها را نیز شامل می‌گردد. اما اینکه شعار در هنگام رزم و جنگ از چه زمانی مرسوم شده، به

طور قطع مشخص نیست، ولی قدر یقین این است که این شعار دادن هنگام کارزار از صدر اسلام و جنگهای نخستین پیامبر صلی الله علیه و آله مورد توجه طرفین جنگ بوده است. این شعار دادن و رجز خوانی در عاشورا نیز جزء عناصر بسیار مهم قیام امام حسین علیه السلام محسوب می‌گردد، چه اینکه علاوه بر بیان عمق احساسات گوینده، مشتمل بر بلندترین معارف و پیامهایی است که تنها از خاندان رسالت انتظار می‌رود.

اگر چه مجموعه شعارهای عاشورا دارای مضامین بسیار بلند و معارف ارزشمند است، اما آنچه از لبهای مبارک امام حسین بن علی علیه السلام بیان شده، ویژگی و اهمیت فراوانی دارد. از این جهت در این مجموعه تنها به برخی از فرمایشات آن حضرت اشاره می‌شود.

با گذری کوتاه در بوستان کلام آن حضرت در طول حرکت و نهضت خونین عاشورا موضوعات ذیل به

۱- ر.ک: لسان العرب، ج ۴، ص ۴۱۳.

● آن حضرت هنگام خروج از مکه به سوی عراق فرمودند: «حَطَّ الْمَوْتُ عَلَيَّ وَوُلِدَ آدَمَ مَحَطَّ الْفَلَاةِ عَلَيَّ جَبِيْدُ الْفِتَاةِ»^۱

به راستی مرگ برای فرزندان آدم همان اندازه زیباست که گردنبندها بر گردن دختران جوان.

از قبای بر جسته نهضت عاشورا و از روحیات والای حسین بن علی علیه السلام و یارانش که از همان ابتدای راه به خوبی به چشم می خورد، عنصر «شهادت طلبی» یعنی مرگ در راه خدا بود. و این یعنی اتصال به عزیز مطلق و دمیدن روح عزتخواهی در جوامع انسانی.

امام حسین علیه السلام در این کلام نورانی به این حقیقت بزرگ به نحوی تصریح کرده است که این نحو مردن، بهترین نوع مردن است.

و همین حقیقت را در مواجهه با فرزدق اینگونه تصویر نموده است:

فَإِنْ تَكُنِ الدُّنْيَا تُعَدُّ نَفْسِيَّةً

فَدَارَ كُؤَابِ اللَّهِ أَعْلَى وَأَنْبَلُ

۱- سید بن طاوس، اللهوف، انتشارات جهان، ۱۳۴۸ ه.ق، ص ۶۰

خوبی به چشم می خورد.

۱- معرفی شخصیت و جایگاه خود به عنوان فرزند آخرین پیامبر الهی و امام بر حق جامعه.

۲- تبیین اهداف و رسالتهای خود به عنوان جانشین رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله.

۳- پرده برداری از روح حاکم بر دولتمردانی که به دروغ خود را جانشین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قلمداد می کردند.

عمدتاً این شعارها با مضامین فوق در سه بخش اساسی کلام آن حضرت تجلی یافت.

این سه بخش عبارت بودند از:

الف) خطبه‌ها:

منظور از خطبه‌ها، سخنانی است که آن حضرت در برابر دیگران ایراد فرمود. این خطبه‌ها که در تبیین ماهیت قیام امام حسین علیه السلام و اهداف آن حضرت نقش دارند، بخشی در ابتدای قیام و در طول راه و بخشی در میدان کارزار بیان شده است. در ذیل به نمونه‌هایی از بیانات آن حضرت اشاره می شود.

وَإِنْ تَكُنِ الْأَبْدَانُ لِلْمَوْتِ أَنْشَاءً

فَقَتْلُ امْرِئٍ بِالسَّيْفِ فِي اللَّهِ أَفْضَلُ^۱

«گرچه دنیا نفیس شمرده می شود ولی خانه ثواب خداوند بلندتر و بزرگ مرتبه تر است. و گرچه بدنها برای مرگ خلق شده اند ولی کشته شدن مرد با شمشیر در راه خدا با فضیلت تر است.»

● امام حسین (علیه السلام) پس از برخورد با سپاه حَزْ، اهداف حکومت خود را با صراحت تمام این گونه بیان کرد:

«إِنَّهُ قَدْ نَزَلَ مِنَ الْأَمْرِ مَا قَدْ تَرَوْنَ وَأَنَّ الدُّنْيَا قَدْ تَغَيَّرَتْ وَتَنَكَّرَتْ وَأَدْتَرِ مَعْرُوفَهَا... الْأَتْرُونَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يَمْعَلُ بِهِ وَالْبَاطِلُ لَا يَسْتَنَاهِي عَنْهُ؛^۲ چیزی پیش آمد که می بینید و بی گمان دنیا دگرگون و زشت شده است و نیکی آن پشت کرده [و از بین رفته] است... آیا نمی بینید که به حق عمل نمی شود و از باطل دوری نمی شود؟»

آن حضرت، حرکت سیاسی خود بر ضد حکومت یزید را به تکلیف شرعی و امر به معروف و نهی از منکر و احیای سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) پیوند داد، تا ضمن مشروعیت بخشیدن به قیام

خود، تعریضی به نامشروع بودن خلافت یزید و تعارض آن با سنت نبوی داشته باشد و به همین دلیل در جای دیگر فرمود: «أَنَا اللَّهُ وَأَنَا إِلَهُ رَاجِعُونَ وَعَلَى الْإِسْلَامِ السَّلَامُ إِذْ قَدْ بَلَّيْتَ الْأُمَّةَ بِرَاعٍ مِثْلِ يَزِيدٍ؛^۳ «اَنَا اللَّهُ وَ أَنَا إِلَهُ رَاجِعُونَ». زمانی که امت گرفتار سرپرستی چون یزید شوند، با اسلام باید وداع کرد.»

چرا که در فرهنگ عاشورا، حاکمیت ظلم یزیدی بزرگترین منکر اجتماعی است و مبارزه برای حاکم ساختن حق و قطع سلطه و ستم، معرفی عظیم است.

از حسین اکتفا به نام حسین

نبود در خور قیام حسین بلکه باید که خلق دریابند علت اصلی قیام حسین کشته شد زیر بار ظلم نرفت به به از قدرت تمام حسین بهر احیای دین شهادت یافت

زنده شد نام دین ز نام حسین

۱- همان، ص ۳۲؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۷۴.
 ۲- علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، مکتبه بنی هاشم، تبریز، ۱۳۸۱ ه.ق، ج ۲، ص ۳۲.
 ۳- اللهوف، ص ۲۴.

کربلا، آزادگی و حریت و تن به ظلم ندادن و اسیر ذلت نشدن است.

آن حضرت با این بیانات راه خویش را به همگان معرفی کرد و خود را از قبول ذلت مبرا و حقیقت عزت را در رفتار و سخنان خود متجلی ساخت و چنان تصویری از آزادگی و عزت بر صفحه تاریخ به رشته تحریر درآورد که تا قیام قیامت مقصد و مأوای عزت خواهان جهان در هر مکتب و مذهبی باشد.

و آنگاه آن شعار جاودانه تاریخ شرف صدور یافت که: «هَيْهَاتَ مِنَّا الذَّلَّةُ؛^۳ ذلت از ما دور است.»

و این شعار هرگز در قفس تنگ زمان و مکان ننگنجد، که فریادی برخاسته از عمق فطرت عزتخواهی انسانهای حقیقت طلب است و همچنان با تأسی به آن رادمرد تاریخ، همواره آن را شعار پرچم قیامشان قرار

● امام حسین علیه السلام در کربلا خطاب به یاران خود، یکی دیگر از پرده‌های اسرار قیام خود را این‌گونه کنار زده می‌فرماید: «إِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَالْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرْمًا؛^۱

من مرگ را جز خوشبختی و زندگی با ستمکاران را جز بدبختی نمی‌بینم.»

بدون تردید شهادت مظلومانه امام حسین علیه السلام و یارانش در کربلا تأثیر شگرفی در بیداری و حرکت آفرینی جامعه اسلامی داشت و خونی تازه در رگهای جامعه اسلامی دواند و جو نامطلوب را شکست و امتداد آن حماسه، در طول تاریخ جاودانه ماند.

و این همان سعادت راستین است که امام حسین علیه السلام آن را در شهادت می‌بیند. آن حضرت، همین مضمون را در کلامی دیگر این‌گونه بیان کرد: «لَا أُعْطِيكُمْ بَيْدِي إِعْطَاءَ الدَّلِيلِ وَلَا أَقْرَأُ أَقْرَارَ الْعَبِيدِ؛^۲

دست خود را مانند انسان ذلیل به شما نمی‌دهم و مانند بردگان اقرار نمی‌کنم.»

آری از مهمترین درسهای نهضت

۱- محمد بن شهر آشوب مازندرانی، مناقب آل ابی طالب، موسسه انتشارات علامه، ۱۳۷۹ ه.ق.

۴- جلد، ۴، ص ۶۸.

۲- شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۹۷.

۳- اللهوف، ص ۹۷.

داده‌اند.

و به راستی این شعار است که می‌تواند تحقق بخش آزادی و آزادگی در بین جوامع بشری، در عصر تاریکیها و ذلتها باشد.

اگر امروزه عاشورا از زنده‌ترین شعارهای شیعه محسوب می‌شود، بخشی را مرهون شعارهای تابناک و حیات بخش حسین بن علی علیه السلام و یاران آن حضرت است.

ب: رجزها:

بخشی از شعارهای عاشورا در قالب رجزهای امام حسین علیه السلام در میدان کارزار بیان شده است.

«رجز» نام یکی از انواع شعر عربی است که نوعی تحرک و روانی در آن وجود دارد.

در دوران جاهلیت از این وزن شعر، بیشتر در اشعاری که جنبه مبارزه، دشنام یا تفاخر داشت استفاده می‌شد. بکارگیری این وزن و آهنگ در شعرهای حماسی که مبارزان در میدانهای جنگ می‌خواندند سبب شده که به آن اشعار رجز گویند.

برخی از رجزهای حضرت امام

حسین علیه السلام عبارتند از:

أَلْمَوْتُ خَيْرٌ مِنْ رُكُوبِ الْغَارِ
وَالْغَارُ خَيْرٌ مِنْ دُخُولِ النَّارِ^۱

«مرگ بهتر از پذیرش ننگ است و ننگ و عار بهتر از داخل شدن در آتش است.»

أَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ
أَلَيْتُ أَنْ لَا أُنْسِي
أَخْمِي عِيَالَاتِ أَبِي
أَنْضِي عَلَى دِينِ النَّبِيِّ^۲

مضمون این شعر، به شعر فارسی چنین است:

منم حسین بن علی

پشت نسازم به دنی

حامی اولاد علی

مجری دستور نبی

ج: اشعار غیر رجز:

اگرچه بخشی از اشعار امام حسین علیه السلام به عنوان رجز مطرح شده است، ولی برخی دیگر از اشعار آن حضرت نیز به عنوان شعار مطرح است و شمردن آنها جزو رجز کار مشکلی است. کوتاه سخن اینکه از حسین بن علی علیه السلام نیز

۱- المناقب، ج ۴، ص ۶۸.

۲- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۴۹.

شعرهای فراوانی غیر از رجز نقل شده است. یکی از شعرهای آن حضرت چنین است:

أَنَا ابْنُ عَلِيٍّ الطَّهْرُ مِنْ آلِ هَاشِمٍ
 كَفَانِي بِهَذَا مِفْخَرًا حِينَ أُنْفَخْتُ
 وَجَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ أَكْرَمَ مَنْ مَضَى
 وَنَحْنُ سِرَاجُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ نَزْهَرٌ
 وَفَاطِمَةُ أُمِّي مِنْ سَلَالَةِ أَحْمَدٍ
 وَعَمِّي يُدْعَى ذُو الْجَنَاحَيْنِ جَعْفَرٌ
 وَفِيْنَا كِتَابُ اللَّهِ أَنْزَلَ صَادِقًا
 وَفِيْنَا الْهُدَى وَالْوَحْيَ بِالْخَيْرِ يُذَكَّرُ
 وَنَحْنُ أَمَانُ اللَّهِ لِلنَّاسِ كُلِّهِمْ
 نُسْرٌ بِهَذَا فِي الْأَنَامِ وَنَجْوَةٌ
 وَنَحْنُ وِلَاةُ الْحَوْضِ نُسْقِي وِلَاةِنَا
 بِكَأْسِ رَسُولِ اللَّهِ مَا لَيْسَ يُنْكَرُ
 وَشِبَعْنَا فِي النَّاسِ أَكْرَمَ شَيْعَةٍ
 وَمُنْبَغِضْنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُخْسَرُ
 بِنَا بَيِّنَ اللَّهِ الْهُدَى مِنْ صَلَالَةٍ
 وَيَنْفَعُنَا بِنَا آيَةُ وَيَطْهَرُ
 إِذَا مَا أَتَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ ظَامِنًا
 إِلَى الْحَوْضِ يُنْسَقِيهِ بِكَفَيْهِ حَيْدَرُ
 إِنَّمَا مَطَاحُ أَوْجَبَ اللَّهُ حَقَّةً
 عَلَى النَّاسِ جَمْعًا وَالَّذِي كَانَ يَنْظُرُ
 فَطَوَّبَى لِسَعْبِي زَارِنَا بَعْدَ مَوْتِنَا
 بِجَنَّةٍ عَذْبٍ صَفْوَاهَا لَا يُكَدَّرُ

شاعری پارسی گو مضمون این فرمایشات را اینگونه بازگردان کرده است:

منم زاد علیؑ پاک و از هاشم نژاد من
 مرا این فخر بس باشد همین شد افتخار من
 نیای من رسول الله گرامیتر ز هر فردی
 سراج الله خلقیم و درخشیدن شعار من
 مرا مادر بود زهرای اطهر بضعه احمد
 عمویم جعفر طیار و دارد انتظار من
 بما نازل کتاب الله از روی درستی شد
 به ما وحی آمد است و رهبری گردیده کار من
 امان الله کُل مردمیم از عامی و عالم
 همین گفتار پنهان من و هم آشکار من
 ز بهر دوستان بر حوض کوثر ما همه ساقی
 بود جام رسول الله اندر اختیار من
 نباشد در پیش از شیعیان ما گرامیتر
 عدوی ما خسارتمند باشد در صف محشر
 علاوه بر اهدافی که مورد اشاره
 قرار گرفت، یکی دیگر از اهداف حسین بن علیؑ حمایت از عرض و ناموس و عترت خویش بود که ضمن اشعاری در این باره چنین می فرماید:

۱- ابومنتور احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، نشر مرتضی، ج ۲، ص ۳۰۱.

شاعری خوش بیان این سوز دل
حسین بن علی علیه السلام را این گونه به رشته
نظم کشیده است:

اف به توای روزگار، یار ستمگر
چند به صبح و پسین چو گرگ تناور
برکنی از یار و دوست افسر و هم سر
نیست قناعت و را به اندک و کمتر
کار همان است سوی حضرت داور

هر که بود زنده راه من رود آخر
بدون تردید بقاء و جاودانگی
نهضت خونین حسینی در پرتو همین
تعلیمات نورانی و آرمانهای الهی است
که این گونه در تاریخ ثبت و ضبط شده
است و چه خونهایی که برای
پاسدداشت این نهضت جهانی بر زمین
ریخت و اینک برماست که گوهر
تابناک این شعارها را در تمام زوایای
زندگی خویش تابنده سازیم.

إِذِ الْمَرْءُ لَا يَخْمِي بِنَهْيِهِ وَعِزُّهُ
وَعِزَّتُهُ كَانَ الْأَنْبِيَاءُ الْمُسَبِّحِينَ
وَمِنْ دُونِ مَا يَنْعَى يَزِيدُ بِنَا عَدَا
كَخَوْضِ بِحَارِ الْمَوْتِ شَرْقًا وَمَغْرِبًا
وَتَضْرِبُ ضَرْبًا كَالْحَرِيقِ مُقَدِّمًا
إِذَا مَارَاهُ ضَيْغَمٌ فَرَّ مُهْرِبًا
«وقتی که انسان برای فرزندان و

آبرو و خاندانش حامی نیابد، شخص
لثیم باعث آن است. در مقابل آنچه
یزید فردا از ما طلب خواهد کرد،
شناگر دریاهاى مرگ در مشرق و
مغرب خواهیم بود. چنان ضربتی
آتشین فرود می آوریم و می زنیم که اگر
شیری آن را ببیند پا به فرار گذارد.»

سخن را با این کلام نورانی از آن
حضرت به پایان می بریم که فرمود:
يَا دَهْرُ أَفْ لَكَ مِنْ خَلِيلٍ

كَمْ لَكَ بِالْإِشْرَاقِ وَالْأَصِيلِ
مِنْ ضَاحِبٍ أَوْ طَالِبٍ قَتِيلِ
وَالدَّهْرُ لَا يَفْتَنُ بِالْبَدِيلِ

وَأَمَّا الْأَمْرُ إِلَى الْجَلِيلِ
وَكُلُّ حَيٍّ سَالِكِ السَّبِيلِ

۱- مقتل الحسين لابی مخنف، ص ۲۵؛ منابع
المودة، ص ۴۰۲.